



مدیر حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۷ - شماره ۲۱ - پاییز ۱۴۰۳

شرط التزام عام در پرتو رویه دیوان داوری ایکسید
امیرحسین یزدانی، ناصر علیدوستی شهرکی
 تحلیل حقوقی آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دعاوی مرتبط با ایران
سیما عباسی، شهرزاد دربندی
 مخاصمات اسرائیل و حماس در آئینه حقوق بین‌الملل کیفری (۲۰۲۳ میلادی)
محمد بابایی، نوید زمانه قدیم، داوود علیزاده
 نقش سبک زندگی و رعایت پروتکل های بهداشتی در پیشگیری از جرایم مرتبط با کووید-۱۹ از نظر کارشناسان در حقوق کیفری ایران
ایرج مروتی
 مدیریت ذخایر هیدروکربوری فرامرزی: همکاری به عنوان یک تعهد عرفی (با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دریاها در سال ۲۰۱۷ میلادی در دعاوی غنا و ساحل عاج)
علی رضایی، سیدرسول طباطبایی مقدم
 حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق ایران و لبنان
امین‌رضا بهار فلامرزی
 نحوه اداره اموال محجورین در حقوق ایران و ترکیه
سارا فرزادی مهر، محمدرضا حقیقی، اسماعیل عموری
 تحلیل و بررسی ماهیت جعله در نظام حقوقی ایران
امیرمحمد توکلی، محمدرضا عضدی، قاسم توکلی
 ماهیت و ابعاد حقوقی دستور موقت صادره از هیات حل اختلاف قراردادی وزارت نفت
شیدا غم افروز، محمدرضا افشاری، مهدی پیری
 حقوق سهامداران نهادی و سهامداران خرد در بازار سرمایه ایران
پریسا رضوان، علی زارع
 محدودیت‌های فعالیت نظامی کشورهای ثالث در منطقه انحصاری اقتصادی دولت ساحلی
محسن بهجتی
 فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
زهره السادات مکی، اسماعیل کشکولیان
 مبانی حقوقی تاسیس مدارس غیردولتی در ایران با تأکید بر نقش آموزش و پرورش بر پیشگیری از وقوع جرم
مینا دانش آموز، حکیمه ابوالحسنی
 مسیرهای دموکراتیک و استبدادی در آینده حقوق بین‌الملل
سعید بهبودی نژاد
 شهرهای هوشمند و حقوق تجارت بین‌الملل
آرام عباسپور جلالی
 آثار حقوقی هنجارهای آمره: آن‌کس که جعبه پاندورا را گشود آیا به پیامدش فکر نمود؟
سهیل گلچین
 رابطه میان تعهدات شفافیت و سرمایه‌گذاری خارجی در انرژی‌های تجدیدپذیر: تحقق نقش بالقوه موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری
یوسف اخلاقی
 سیاست کیفری ایران در قبال جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح
یاسر شاکری



Examining the Nature and Legal Dimensions of the Provisional Measures Issued by the Dispute Resolution Committee of the Ministry of Oil

Sheyda Ghamafrooz

Master's student in oil and gas law, Faculty of Petroleum, Sanat Naft University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Mohammad Reza Afshari

Assistant Professor, Department of Oil and Gas Law, Faculty of Petroleum, University of Petroleum Industry, Tehran, Iran

Mehdi Piri

Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

ماهیت و ابعاد حقوقی دستور موقت صادره از هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت

شیدا غم افروز

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز، دانشکده نفت، دانشگاه صنعت نفت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

afruzsheida@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0006-2769-3355>

محمدرضا افشاری

استادیار گروه حقوق نفت و گاز، دانشکده نفت، دانشگاه صنعت نفت، تهران، ایران

mra_87@yahoo.com

<http://orcid.org/0000-0003-2200-8612>

مهدی پیری

استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Mehdi.piri@ut.ac.ir

<http://orcid.org/0000-0002-0065-9994>

Abstract

As a well-established and frequently utilized legal instrument, the temporary order plays a pivotal role in accelerating judicial processes within the Iranian legal and judicial system. Furthermore, this security measure is included in the instructions for resolving contractual disputes issued by the Ministry of Oil. This study employs an analytical and comparative approach to examine the nature, evolution, distinctions, and characteristics of the temporary order of the Contractual Dispute Resolution Board. It demonstrates notable differences in form and substance between these two legal institutions. The findings of this study demonstrate that the inability to resort to the general principles of the Civil Procedure Code in instances of silence or ambiguity in the Board's temporary order presents a significant challenge. Furthermore, in light of the primary objective of the issuing authority, which is to resolve the dispute amicably and expeditiously, there are certain objections to this order. These differences and objections demonstrate the inadequacy of the verbal sharing and the ineffectiveness of the temporary order outlined in the directive at the outset of the dispute resolution process. In particular, this research emphasizes the necessity of revising the processes and regulations related to the issuance of the temporary order of the contract dispute resolution board of the Ministry of Oil, so that it can respond more effectively to the urgent and specific needs of the litigants. Furthermore, the conducted investigations demonstrate that in order to enhance the efficiency of this institution, it is essential to implement legal and procedural reforms that are more aligned with the actual conditions and judicial requirements of society.

Keywords: Contractual Disputes, Dispute Resolution Board, Oil and Gas, Provisional Measures.

چکیده

دستور موقت در حقوق و نظام قضایی ایران به عنوان یک ابزار قانونی شناخته شده و پرکاربرد، نقش مهمی در تسریع فرایندهای قضایی ایفاء می کند. این اقدام تأمینی در دستورالعمل حل اختلاف قراردادی وزارت نفت نیز گنجانده شده است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی و مقایسه‌ای به بررسی ماهیت، سیر تحول، تمایزات و ویژگی‌های دستور موقت هیئت حل اختلاف قراردادی پرداخته و نشان می دهد که تفاوت‌های شکلی و ماهوی قابل توجهی بین این دو نهاد حقوقی وجود دارد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که عدم امکان رجوع به قواعد عام آیین دادرسی مدنی در موارد سکوت و ابهام دستور موقت هیئت، چالش‌هایی را به همراه دارد. به علاوه، با توجه به هدف اصلی مرجع صادرکننده که حل اختلاف به طور دوستانه و سریع می باشد، برخی ایرادات نیز به این دستور وارد است. این تفاوت‌ها و ایرادات نشان‌دهنده اشتراک لفظی صرف و عدم کارایی دستور موقت مندرج در دستورالعمل در مراحل ابتدایی فرایند حل اختلاف است. به طور خاص، این پژوهش بر ضرورت بازنگری در فرایندها و مقررات مربوط به صدور دستور موقت هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت تأکید دارد تا بتواند به نحو مؤثرتری پاسخگوی نیازهای فوری و خاص طرفین دعوی باشد. همچنین، بررسی‌های انجام شده نشان می دهد که برای بهبود کارایی این نهاد، نیازمند اصلاحات قانونی و رویه‌ای هستیم که بتواند تناسب بیشتری با شرایط واقعی و نیازهای قضایی جامعه داشته باشد.

واژگان کلیدی: اختلافات قراردادی، دستور موقت، نفت و گاز، هیئت حل اختلاف.

ارجاع:

غم افروز، شیدا؛ افشاری، محمدرضا؛ پیری، مهدی؛ (۱۴۰۳)، ماهیت و ابعاد حقوقی دستور موقت صادره از هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، تمدن حقوقی، شماره ۲۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در میان دستگاه‌های دولتی، وزارت نفت با اهدافی نظیر سامان‌دهی و تسریع در حل اختلافات قراردادی در پایین‌ترین سطوح، ارتقای رسیدگی‌ها و نظارت بر حسن اجرای قراردادهای، پرهیز از طولانی شدن اختلافات یا لاینحل ماندن آن‌ها و ممانعت از ایجاد زمینه‌های بروز فساد، در رابطه با بهره‌گیری از روش‌های حل اختلاف دوستانه با اشخاص طرف قرارداد خود طی چند سال اخیر، حسب وظایف قانونی^۱ اقدام به صدور چهار دستورالعمل در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۳^۲ نموده است (احمدنژاد و نجفی، ۱۴۰۱، ۵۷).

جزء ششم بند «ب» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ در رابطه با این وظیفه اشعار می‌دارد «اعمال نظارت و کنترل عملکرد شرکت‌های تابعه در زمینه‌های مالی، فنی، اداری، حقوقی، بازرگانی، پژوهشی، قراردادهای و سایر امور بر عهده وزارت نفت می‌باشد». همچنین به موجب بند ششم ماده ۳۳ اساسنامه شرکت ملی نفت مصوب ۱۳۹۵ «بررسی و صدور مجوز قراردادهای شرکت و رفع اختلافات مربوط به قراردادهای» از جمله وظایف و اختیارات هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران قلمداد می‌شود. بر این اساس آخرین نسخه دستورالعمل حل اختلافات قراردادی در سال ۱۴۰۰ با تغییراتی نسبت

۱- ناشی از اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بند «د» ماده ۳۵ اساسنامه سابق شرکت ملی نفت ایران و جزء ششم بند (ب) ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱.

۲- بدین منظور شیوه‌نامه حل اختلاف قراردادی مورخ ۱۳۸۷، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ و روش اجرایی شیوه‌نامه حل اختلاف مورخ ۱۳۹۳ ابلاغ گردید.

به قبل توسط وزیر نفت ابلاغ گردید. به‌رغم این تلاش‌ها، به عقیده برخی نویسندگان، روش مندرج در این شیوه نامه، برداشت ناقصی از نمونه مشابه بین‌المللی آن در ماده ۲۰ نمونه قراردادهای فیدیک است (داراب پور و انیسی، ۱۳۹۹، ۱۱۲).

فیدیک رویه‌ای سه مرحله‌ای را با هدف حل و فصل اختلافات ارائه کرده است. ابتدا اختلاف به هیئت حل و فصل اختلافات ارجاع داده و سپس قبل از ارجاع به داوری، حل و فصل دوستانه^۳ مطرح می‌شود و در نهایت طرفین به داوری رجوع می‌کنند (Jaeger, 2010, 393). برخلاف ماده ۲۰ فیدیک هیچ کدام از دستورالعمل‌های هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت به دلیل فاصله گرفتن از اصول دادرسی عادلانه و قواعد شکلی دادرسی نتوانسته‌اند به خواسته‌های پیمانکار در جهت حل و فصل عادلانه اختلافات پاسخ بدهند (طجرلو و عبدی، ۱۳۹۷، ۵۱۳).

مطابق تبصره دستورالعمل، هیئت به اختلاف بین طرف اول^۴ و دوم^۵ رسیدگی می‌کند. با وجود این تبصره و تصریح دستورالعمل در تبصره چهارم ماده ۸ مبنی بر طی فرایند مزبور در صورت التزام طرفین به آن و الزام بر استفاده از آن در برخی نمونه قراردادهای^۶، در بسیاری از موارد شاهد رجوع طرفین به دادگاه برای احقاق حق و متعاقباً صدور آراء متناقض در موضوعات مشابه هستیم. به‌طور مثال یک قاضی خود را با توجه به این که در موارد بروز اختلاف قراردادی اصل بر صلاحیت عمومی مراجع قضایی برای رسیدگی است، برای ورود به ماهیت دعوا و صدور دستور موقت در منع ضبط تضامین صالح می‌داند و قاضی دیگر بدون حصول اطمینان از این که پرونده سابقاً در هیئت بررسی شده است، رسیدگی را آغاز نمی‌کند و در واقع بدون مراجعه ابتدایی خواهان به هیئت، خود را صالح به رسیدگی نمی‌داند.

با توجه به مطالب بیان شده، کارایی دستور موقت صادره از هیئت، در گرو پاسخ به برخی سوالات و رفع ابهامات است. آیا ماهیت دستور موقت صادره از هیئت حل اختلاف با دستور موقت رایج در دادگاه‌ها یکسان است؟ و می‌توان در صورت وجود ابهام در دستورالعمل از کلیات آیین دادرسی مدنی استفاده نمود؟ دستور موقت صادر شده توسط هیئت چه میزان اعتبار دارد؟ و چگونه اجرا می‌شود؟

3- Dispute Adjudication Boards- DAB

۴- شرکت‌های اصلی، فرعی و توابع یا وابسته به وزارت نفت.

۵- تأمین‌کننده کالا و خدمات، سازنده، فروشنده، عرضه‌کننده، خریدار محصولات، پیمانکار، مشاور و...

۶- بند دوم ماده ۷۵ اسناد همسان پیمان وزارت نفت مصوب ۱۴۰۲/۰۳/۰۹.

به‌عنوان فرضیه می‌توان گفت که حدود، ثغور، کم و کیف اعطای صلاحیت صدور دستور موقت به هیئت حل اختلاف به وضوح مشخص نیست و این عدم شفافیت در عرصه عمل و بروز اختلاف، مشکلاتی را برای طرفین و در درجه بالاتر نظام قضایی کشور ایجاد می‌کند.

بدیهی است تبیین جایگاه و تقدم و تاخر صلاحیت صدور دستور موقت توسط دادگاه و هیئت و حل تعارض بین آن‌ها از اهمیت و ارزش بسیار بالایی از منظر علمی و عملی برخوردار است. از آن جایی که این مهم جز با بررسی دقیق و مقایسه ویژگی‌های دستور موقت صادره از هر نهاد با دیگری میسر نیست، در قسمت اول پژوهش مبانی، ماهیت، ویژگی‌ها و شرایط صدور دستور موقت توسط دادگاه و در قسمت دوم ماهیت، ویژگی‌ها، شرایط صدور دستور موقت توسط هیئت و اجرای آن به‌طور تفصیلی بیان می‌شود تا بتوان بر اساس تحلیل این داده‌ها، به نتیجه صواب و معقولی دست یافت.

۱- مبانی و ماهیت دستور موقت صادره از دادگاه

دستور موقت^۷ در شکل رایج خود نوعی از رسیدگی است که به دلیل سرعت، عدم ورود به ماهیت دعوا، حذف تشریفات و صدور آن به‌صورت قرار به یکی از مهم‌ترین اقدامات احتیاطی قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ تبدیل شده است (آزادی و بیرجندی، ۱۳۹۸، ۳۲).

در عرف متداول حقوقی به اشتباه دادرسی فوری را مترادف دستور موقت می‌دانند؛ حال آن که دستور موقت یکی از ابزارهایی است که در راستای دادرسی فوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در فصل هفتم قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ اشاره‌ای به صدور دستور موقت توسط داور نشده است اما در ماده ۱۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶/۰۶/۲۶^۸ اختیار صدور دستور موقت برای داور دیده شده است. در واقع دستور موقت از جمله تدابیر موقتی است که ممکن است صدور آن از محکمه داوری در بسیاری از موارد نظیر حفظ و حراست از ادله، اطلاعات، دانش فنی، جلوگیری از اقدامات یکی از طرفین قرارداد در پنهان یا جا به جا کردن اموال، جلوگیری از نقض تعهد به رازداری، عدم رقابت و... ضرورت یابد (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳، ۵۱۵).

7- Provisional measures

۸- داور می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید، مگر آن که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. داور می‌تواند مقرر نماید که متقاضی تأمین مناسب بسپارد. در هر دو صورت چنانچه طرف دیگر تأمین بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد داور از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

بعضی از حقوقدانان درخصوص فلسفه دادرسی فوری معتقدند: «حکمت دستور موقت آن است که قبل از آن که دستگاه قضایی با کندی‌های معمولی بتواند وارد اصل دعوی بشود و حقیقت را احراز کند، یک اقدام آنی موقتی برای حفظ حقوقی که ذینفع ادعا دارد در معرض خطر است، به عمل آید. البته وقتی آن دستگاه سیر طبیعی خود را طی کرد و تمام اطراف قضیه را سنجید و حقانیت ذینفع را محرز ساخت، آن اقدام موقتی نباید مانع تصمیم او بشود. رکن و پایه دستور موقت همان وضعیت خاص است که هنگام صدور آن حکمفرما است. مادامی که آن وضعیت باقی است، آن دستور هم مانند یک تصمیم که دارای اعتبار قضیه محکوم‌بها باشد مؤثر و نافذ است و همین که آن وضعیت زائل بشود آن دستور هم قهراً باید از اعتبار بیفتد (متین دفتری، ۱۳۹۱، ۳۱ و ۶۳۲).

بنابراین می‌توان گفت که مبنای حقوقی دادرسی فوری، جلوگیری از تضييع حقوق ذینفع و تسريع فرایند دادرسی بدون نیاز به بررسی ماهیت موضوع است. در روند رسیدگی عادی و معمول مراجع قضایی شاهد اطاله دادرسی و کندی قابل توجهی هستیم که این اطاله و کندی در بعضی موارد موجب تضييع حقوق مدعی و از بین رفتن موضوع دعوا می‌گردد؛ زیرا بررسی ماهیت دعوی و پی بردن به حقیقت امر زمان زیادی می‌برد و ممکن است تا آن زمان مال مورد درخواست مدعی و یا شرایطی که مطلوب متقاضی بوده است، از بین برود. در این صورت مدعی پیش از تهیه دادخواست و طرح دعوی در مراجع صالح می‌تواند درخواست صدور قرار دستور موقت و تأمین خواسته را از دادگاه حائز صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا داشته باشد و دادگاه مذکور نیز پس از رسیدگی و احراز ضرورت و در خطر بودن موضوع می‌تواند این قرار را صادر کند تا با استفاده از این نهاد از انتقال اموال و پنهان کردن آن‌ها و یا تضييع توسط خوانده جلوگیری شود.

۲- ویژگی‌ها و شرایط صدور دستور موقت توسط دادگاه

دستور موقت یک نهاد خاص، استثنایی و موقتی دایر بر توقیف مال یا انجام عمل و یا منع از امری است که توسط قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ پیش‌بینی گردیده تا به مدعی کمک نماید.

برای درک هر چه بهتر این نهاد به بیان و بررسی ویژگی‌هایش می‌پردازیم:

اول- درخواست دستور موقت را می‌توان پیش از دعوی یا حین آن مطرح کرد.

دوم- درخواست دستور می‌تواند شفاهی یا کتبی باشد. نیازی نیست که درخواست حتماً به صورت

دادخواست باشد و به صرف درخواست متقاضی، دادگاه موظف به رسیدگی می‌شود. در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد، دادگاه می‌تواند مستند بر ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ بدون تعیین وقت و دعوت از طرفین و حتی در ایام تعطیل و یا در غیر از محل دادگاه به آن رسیدگی کند.^۹

سوم- اجرای قرار دستور موقت موکول به ابلاغ آن است.^{۱۰} یعنی تا پیش از ابلاغ دستور به طرفین امکان اجرای آن را نداریم و می‌بایست پس از ابلاغ قانونی آن به اجرا گذاشته شود. قانون‌گذار در حکمی استثنایی مجوز اجرای این قرار را در صورتی که فوریت امر اقتضاء کند، حتی پیش از ابلاغ آن صادر می‌کند که احراز وجود این فوریت یا عدم وجود آن بر اساس ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ با دادگاه رسیدگی‌کننده به درخواست دستور موقت است.

چهارم- ویژگی بعدی، استقلال و عدم وابستگی نهاد دستور موقت به اصل اختلاف و دعوا است. صدور یا عدم صدور دستور موقت از اختلاف اصلی جدا است و در صورت احراز ضرورت و خطر متناسب با موضوع خواسته شده صادر می‌شود و با مشخص شدن نتیجه رسیدگی و نیز با اثبات بی‌حقی متقاضی از آن رفع اثر می‌گردد.

پنجم- در راستای حفظ حقوق خواننده و جلوگیری از ورود خسارت از اجرای دستور موقت، دادگاه مکلف است از متقاضی دستور موقت تأمین مناسب را متناسب با خسارت احتمالی اخذ کند. اخذ تأمین مناسب باعث می‌شود که اگر پس از بررسی ماهیت دعوی، رای مبنی بر بی‌حقی خواهان صادر شد خواننده بتواند از محل آن تأمین، خسارت‌های وارد شده به خودش را جبران کند. درخصوص این تأمین چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رای نهایی برای مطالبه خسارت طرح دعوا نشود، به دستور دادگاه از مال مورد تأمین رفع توقیف خواهد شد. شایان ذکر است که خواننده می‌تواند تأمین مناسب دیگری را در صورتی که با موضوع دستور موقت متناسب باشد ارائه کند و تشخیص این تناسب با دادگاه است. البته دادگاه در صورت قبول صلاحیت خود، مختار است و تکلیفی مبنی بر پذیرفتن ندارد.

ششم- هزینه دادرسی درخواست صدور دستور موقت معادل با دعاوی غیرمالی است.

هفتم- نحوه لغو شدن و رفع اثر از دستور موقت به این صورت است که متقاضی دستور موقت باید

۹- قاعده‌تأسیس و صدور دستور موقت امری توافقی است و بر اساس اصل تناظر نیازمند حضور طرفین و استماع دفاع خواننده است. لیکن در عمل شاهد تخصیص اکثر این موضوع بوده و غالباً رسیدگی بدون حضور طرفین و در وقت فوق‌العاده یا خارج از نوبت صورت می‌گیرد.

۱۰- ماده ۳۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹.

ظرف مدت بیست روز از تاریخ صدور دستور موقت به دادگاه صالح مراجعه و طرح دعوی کند. در غیر این صورت از دستور موقت رفع اثر می‌شود. با صدور رای بدوی و غیرقطعی از قرار دستور موقت رفع اثر نخواهد شد و رای حتماً باید قطعی شده باشد.

هشتم- قبول یا رد درخواست دستور موقت صادر شده از دادگاه مستقلاً قابل اعتراض، تجدیدنظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی نیست. البته متقاضی می‌تواند ضمن تقاضای تجدیدنظر به اصل رای نسبت به آن نیز اعتراض و درخواست رسیدگی نماید، اما شخص ثالث قابلیت اعتراض به آن را دارد (ابهری و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۷).

هشتم- اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی است و بدون تأیید آن قابلیت اجرایی

۳- مبانی و ماهیت دستور موقت صادره از هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت

شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات^{۱۲} به مجموعه‌ای از شیوه‌ها و تکنیک‌ها اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها حل و فصل اختلافات حقوقی خارج از دادگاه است (Mnookin, 1998, 1). رسیدگی در خارج از مراجع قضایی، عدم رعایت تشریفات طویل رسیدگی معمول و محرمانه بودن، برخی از ویژگی‌های شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات است که طرفین معمولاً با استفاده از یک شخص ثالث بی‌طرف که انتخاب وی نیاز به رضایت و توافق آن‌ها دارد چگونگی رسیدگی به اختلاف خود را مشخص می‌نمایند (داراب پور و انیسی، ۱۳۹۹، ۹۸). مذاکره، میانجیگری، سازش، کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف^{۱۳}، هیئت حل اختلاف، کارشناسی و داوری از انواع شیوه‌های مذکور است. ناگفته نماند برای ترویج و استفاده بهینه از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، عوامل مؤثر بر انتخاب و استفاده از این شیوه‌ها باید مورد تحقیق و درک کامل قرار گیرند (Chia Kuang, 2016, 1) تا بتواند منجر به افزایش رضایت، کاهش هزینه‌های حل اختلاف، زمان‌های کوتاه‌تر حل و فصل، بهبود انطباق با توافقنامه و سایر مزایا در برخی زمینه‌ها شود (Stipanowich, 2004, 904). شکی نیست که استفاده از انواع فرایندهای مختلف برای حل مشکلات فردی، سازمانی، دولتی، سیاسی و بین‌المللی در حال گسترش است

۱۱- با توجه به ماده ۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، به‌عنوان استثنایی بر ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، در حوزه محاکم خانواده و در اموری که فوریت دارد، دستور موقت نیازمند تأیید رئیس حوزه قضایی نیست.

12- Alternative dispute resolution (ADR)

۱۳- بند اول ماده ۷۵ اسناد همسان پیمان وزارت نفت مصوب ۱۴۰۲/۰۳/۰۹.

و سازمان‌های بزرگ در حال ایجاد سیستم‌های حل اختلاف داخلی خود هستند (Carrie, 2015, 14).

استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف در قراردادهای نفتی، اولین بار در ماده ۱۴ قانون نفت مصوب سال ۱۳۳۶^{۱۴} که اولین قانون مستقل در حوزه نفت و گاز است، به کار گرفته شد. مطابق این ماده «اختلافاتی که بین شرکت ملی نفت ایران و طرف‌های دیگر پیش آید، چنانچه از طریق مذاکره دوستانه به نحوی که در هر قرارداد پیش‌بینی خواهد شد رفع نشود، از طریق سازش و داوری حل خواهد شد».

ماهیت هیئت حل اختلاف قراردادی و تصمیمات آن، تفاوت‌هایی با سازش و داوری دارد. از جمله اهداف اساسی داوری می‌توان به ساده‌تر کردن روند رسیدگی اشاره کرد (Carver, 1994, 1). در داوری رضایت و توافق طرفین در انتخاب داور تأثیر مستقیم دارد و رای صادره از داوری قابلیت به اجرا گذاشته شدن در محاکم دادگستری دارد. این در حالی است که با توجه به فرایند رسیدگی هیئت حل اختلاف قراردادی به این نتیجه می‌رسیم که اولاً مطابق با بند سوم تبصره اول ماده ۱۵^{۱۵} سوم دستورالعمل مصوب ۱۴۰۰، اعضای هیئت رسیدگی کننده به اختلافات به جز نماینده انجمن نفت ایران، از افراد درون سازمانی طرف اول اختلاف هستند که از سوی مدیرعامل شرکت اصلی به هیئت عالی معرفی و پس از تأیید صلاحیت توسط هیئت عالی و تصویب هیئت مدیره شرکت اصلی، با حکم مدیرعامل برای دو سال منصوب می‌شوند و تراضی و توافق طرفین در انتخاب آن‌ها موضوعیت ندارد و دوماً به دلیل عدم وجود قدرت اجرایی و موکول کردن اجرای تصمیم هیئت به تأیید هیئت مدیره شرکت طرف اول اختلاف، تقاضای صدور اجرائیه برای تصمیم مذکور امکان‌پذیر نیست (صفری و بادکوبه، ۱۴۰۰، ۱۶۲).

یک تفسیر از این دستورالعمل با توجه به خواست تنظیم‌کنندگان آن و بر اساس ماهیت و ساختار هیئت حل اختلاف قراردادی چنین است که هیئت حل اختلاف قراردادی در تئوری، نوعی از مدیریت اختلاف است و هدف آن حل دوستانه اختلاف و عدم طرح آن در مراجع قضایی است که با این تفاسیر نباید انتظار صدور تصمیم لازم‌الاجرا و لازم‌الاتباع را در این ساختار داشت.

اما توجه به دو نکته در رابطه با این نوع تفسیر ضروری است. اولاً، در فضای اجرا و عمل، هیئت به

۱۴- لایحه قانونی مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره مصوب ۱۳۳۶/۰۵/۰۷ که به موجب بند ششم ماده ۳۰ قانون نفت مصوب ۱۳۵۳/۰۵/۰۸ نسخ صریح گردیده است.

۱۵- اعضای پیشنهادی موضوع جزهای «الف» تا «د» بند فوق از سوی مدیرعامل شرکت اصلی به هیئت عالی معرفی می‌شوند و پس از تأیید صلاحیت آن‌ها از سوی هیئت اخیرالذکر و تصویب هیئت مدیره شرکت اصلی با حکم مدیرعامل شرکت مذکور برای مدت دو سال منصوب می‌شوند.

اختلاف حادث شده مانند داوری رسیدگی می‌کند که در راستای این رسیدگی می‌تواند از ابزارهایی که برای داوری نیز وجود دارد استفاده کند تا در نهایت تصمیم خود را صادر کند. در مقابل، طرفین اختلاف نیز انتظار دارند که نتیجه این رسیدگی قابلیت اجرا داشته و عدم اجرای آن توسط هریک از طرفین ضمانت اجرا مناسب داشته باشد که البته در دستورالعمل هیچ گونه ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده و این مطلب یکی از مهم‌ترین ایرادات این دستورالعمل است. ثانیاً، در شرایطی که در قراردادهای پایین‌دستی و بالادستی در شرط حل اختلافات صراحتاً اشاره می‌شود که طرفین می‌بایست در صورت بروز هر گونه اختلاف که ناشی از قرارداد یا مرتبط با آن است به هیئت رجوع کنند و هیچ گونه محدودیت زمانی و جایگزینی برای این فرایند بیان نمی‌شود و زمانی که قرارداد از مجرای مناقصه منعقد می‌شود طرف دوم توانایی مذاکره برای تغییر این بند را ندارد، با توجه به اصول حقوقی می‌توان گفت که این سازوکار حل اختلاف وارد حیطه توافق طرفین شده است^{۱۶} و می‌بایست اجرا شود و اگر پس از رسیدگی و صدور تصمیم و یا حتی پیش از رسیدگی، یکی از طرفین به مراجع قضایی رجوع کند، روبه قضایی معمول و درست این است که دادگاه وارد رسیدگی ماهوی نشده و پرونده با ایراد شکلی و صدور قرار عدم استماع دعوی روبرو می‌شود، زیرا توافق طرفین بر این بوده که به هیئت رجوع کنند و طبق اصول حقوقی این توافق الزام طرفین را به دنبال دارد.

با نگاهی به تبصره^{۱۷} دوم و تبصره چهارم^{۱۸} ماده ۵ دستورالعمل مشاهده می‌کنیم که ابتدا در یک حکم کلی هر کدام از طرفین که می‌خواهد اختلاف را در هیئت مطرح کند ملزم می‌شود فرایند رسیدگی را رعایت کرده و تصمیم نهایی را بپذیرد و در تبصره چهارم بیان می‌دارد که اگر درخواست‌کننده طرف دوم باشد می‌بایست تعهدی بدهد مبنی بر قبول بی‌قید و شرط تصمیم نهایی. ابهام در شیوه نگارش تبصره چهارم این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا تأکید بر تعهد دادن طرف دوم و عدم ذکر طرف اول به این معنی است که طرف اول ملزم به رعایت تصمیم هیئت نیست یا این که تعهدش مفروض و در هر صورت ملزم به رعایت تصمیمات است؟

۱۶- هرچند برای طرف دوم نمی‌توان گفت توافق و رضایت درستی شکل گرفته است.

۱۷- در صورتی که طرف اول یا طرف دوم، درخواست رسیدگی به اختلاف خود با طرف دیگر را در هیئت حل اختلاف ارائه نماید، ملزم می‌شوند فرایند مندرج در دستورالعمل را رعایت نموده و تصمیم هیئت را با لحاظ شرایط مندرج در این دستورالعمل بپذیرند.

۱۸- در مواردی که درخواست‌کننده طرف دوم باشد، شرط رسیدگی به اختلاف ارجاع شده در هیئت حل اختلاف، تعهد طرف دوم مبنی بر قبول تصمیم هیئت حل اختلاف است؛ خواه تصمیم له یا علیه طرف دوم باشد.

در پاسخ می‌توان گفت که در تبصره چهارم ماده ۱۹۷ دستورالعمل از تصویب تصمیم نهایی هیئت حل اختلاف توسط هیئت مدیره یا مدیرعامل طرف اول قرارداد سخن گفته شده است که حکم کلی تبصره دوم ماده ۵ را محدود می‌کند زیرا هرچند که طرف اول باید تعهد بدهد که فرایند را رعایت کند و تصمیم را بپذیرد ولی در این جا مشاهده می‌کنیم که سخن از تصویب به میان آمده است. در واقع تصمیم هیئت نسبت به طرف اول به صورت مشروط و نسبت به طرف دوم بی‌قید و شرط و الزام آور است. با نگاهی به فرایند اعتراض و نحوه رسیدگی هیئت عالی به اعتراض - که به طور مفصل در قسمت بعدی بیان می‌شود - می‌توان به این نتیجه رسید که هیئت حل اختلاف قراردادی یک نهاد حل و فصل اختلافات دوستانه و جایگزین در قالب مدیریت اختلاف است که در درون ساختار وزارت نفت و با هدف حل اختلافات میان شرکت‌های طرف قرارداد با وزارت نفت جهت تسریع در فرایند رسیدگی به اختلافات تشکیل می‌شود و مشروعیت و الزام آوری‌اش را از دستورات مقام مدیرعامل و یا بالاترین مقام شرکت اصلی می‌گیرد و استفاده از لفظ «تصمیم» برای رای هیئت هم مبین همین نظر است.

۴- ویژگی‌های دستور موقت صادره از هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت در مقایسه با نسخ قبلی و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

استفاده کارآمد از اقدامات موقت^{۲۰} در مسیر حل اختلاف و اطمینان از این که توافق برای رسیدگی به اختلاف منجر به نتایج موفقیت‌آمیز می‌شود، بسیار مهم است (Roland, 2023, 36). اقدامات موقت در مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق خصوصی^{۲۱}، این‌گونه تعریف شده است:

اول- اقدام موقت یا حفاظتی هر دستور موقتی است که دارای یک یا چند مورد از وظایف زیر باشد:
الف- تضمین یا ترویج اجرای مؤثر تصمیمات نهایی در مورد ماهیت دادرسی، خواه ادعای اساسی مالی باشد یا نباشد، از جمله تأمین دارایی‌ها و کسب یا حفظ اطلاعات مربوط به بدهکاری و دارایی‌های او.
ب- برای حفظ فرصت و زمان مورد نیاز برای تعیین نحوه فرایند دادرسی به صورت کامل و رضایت بخش، از جمله تأمین شواهد مربوط به ماهیت یا جلوگیری از تخریب یا پنهان کردن آن. پ- حفظ

۱۹- طرف اول (هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت یا بالاترین مقام واحدهای وابسته وزارت نفت) موظف است برای سرعت بخشیدن به حل مشکلات قراردادها و پیشگیری از توسعه اختلاف‌ها نسبت به تصویب و اجرای سریع تصمیم هیئت‌های حل اختلاف پس از ابلاغ به موجب تصمیم هیئت حل اختلاف اقدام نمایند.

20- Provisional measures, protective measures, interim measures, interim relief

21- UNIDROIT, international institute for unification of private law

موجودیت و ارزش کالاها یا سایر دارایی‌هایی که موضوع رسیدگی را تشکیل می‌دهند.^{۲۲} د- برای جلوگیری از متحمل شدن آسیب، جلوگیری از آسیب بیشتر، یا تنظیم مسائل مورد اختلاف در انتظار قضاوت نهایی. دوم- اقدام موقت یا حفاظتی که دستور داده می‌شود باید برای هدف آن مناسب باشد.

مطابق با ماده ۶ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳ «هیئت حل اختلاف می‌تواند عندالزوم و بنا بر ضرورت، به تشخیص خود، در صورت تقاضای هریک از طرفین در رابطه با صدور دستور موقت، دایر بر الزام یا منع انجام کاری، تصمیم لازم را اتخاذ کند. اجرای هر گونه دستور موقت در خصوص مراتب مزبور بنا به درخواست هیئت حل اختلاف و با دستور مدیرعامل و در صورت لزوم با تأیید هیئت مدیره شرکت اصلی مقدور است» و بنا بر ماده ۴-۱-۳ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ «هیئت حل اختلاف می‌تواند عندالزوم به تشخیص خود و یا در صورت تقاضای طرف دوم تا رسیدگی نهایی به اختلاف، نسبت به منع ضبط تضمین‌های قرارداد، دستور موقت صادر نماید. اجرای دستور موقت بنا به تصمیم هیئت حل اختلاف و با دستور مدیرعامل یا بالاترین مقام طرف اول صورت می‌پذیرد. دستور موقت هم‌زمان با ابلاغ تصمیم هیئت حل اختلاف لغو می‌شود». همان‌طور که مشخص است تفاوت‌هایی بین دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳ و دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ وجود دارد که بررسی آن‌ها در شناخت ماهیت و ویژگی‌های این نهاد حقوقی بی‌تأثیر نیست.

از تفاوت‌های مهم، موضوع دستور موقت است که در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳ به صورت کلی و تا حدودی شبیه به دستور موقت معمول در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ بیان شده است. ماده ۶ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳ در این رابطه عبارت «الزام یا منع انجام کاری» را به کار برده است؛ درحالی‌که در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ عبارت «الزام» حذف و در مورد منع هم، موضوع خاص شده و منحصر در ضبط تضمین قرارداد گردیده است. استفاده از دستور موقت در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳ مبتنی بر موقعیت ضرورت است که شاید این نحوه نگارش ماده برگرفته از استثنایی بودن دستور موقت باشد. همان‌طور که به نظر می‌رسد این ویژگی مدنظر قانون‌گذار در تأسیس دستور موقت بوده است، درحالی‌که عبارت «ضرورت» در ماده ۴ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ حذف گردیده است.

یک تفاوت دیگر بین دو نسل دستورالعمل منوط کردن صدور دستور موقت به تقاضای طرفین یا اعطای اختیار مستقیم به هیئت برای صدور دستور موقت حتی بدون تقاضای طرفین است. در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ این اختیار مستقیم به هیئت داده شده که حتی بدون درخواست طرفین و صرفاً بر اساس تشخیص خود، اقدام به صدور دستور موقت نماید. در صورتی که در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳، تشخیص در کنار تقاضای طرفین مطرح شده و به تنهایی جایگاهی ندارد. در صورتی که اعضای هیئت دارای تجربه و علم کافی در زمینه‌های خاص خود باشند، شاید بتوانند مواردی را مشاهده یا پیش‌بینی کنند که طرفین به آن بی‌توجه یا از آن بی‌اطلاع هستند و همین موارد بتواند ادامه اجرای قرارداد را تسهیل یا از بروز مشکلات آتی جلوگیری کند و به قول فقها، ان انعکس، انعکس.

از دیگر تفاوت‌ها یا شاید به روزرسانی‌ها، تعیین زمان لغو اجرای دستور موقت در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ است که مقرر شده «دستور موقت هم‌زمان با ابلاغ تصمیم هیئت حل اختلاف لغو می‌شود» که به این موضوع در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳ اشاره‌ای نشده است. همچنین در مورد اخذ تأییدیه برای اجرای دستور موقت از مقامات شرکت اصلی، دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳ سختگیری بیشتری به خرج داده و در مواقع لزوم تأیید هیئت مدیره شرکت اصلی را نیز ضروری دانسته، حال آن که دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ به اخذ تأیید مدیرعامل یا بالاترین مقام بسنده نموده است.

از شباهت‌های هر دو دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳ و دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰، اختیاری بودن صدور دستور موقت توسط هیئت و در واقع اختیار هیئت به تشخیص موقعیت لزوم صدور آن است. واگذاری این اختیار با این وسعت می‌تواند دامنه صدور دستور را بسیار کوچک و یا بالعکس بسیار وسیع گرداند و به آسانی با این پاسخ که هیئت برای صدور دستور در این حالت لزومی احساس نمی‌کند، موجب رد درخواست طرفین شود. شاید بهتر بود ملاک‌های لزوم و یا برخی از موقعیت‌های آن برای مثال و روشن شدن بیشتر مفهوم «لزوم» بیان می‌شد.

علاوه بر تفاوت‌های مذکور بین دو دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۳۹۳ و دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ صادره پیرامون دستور موقت، تفاوت‌های حائز اهمیت

بین جدیدترین شیوه صدور دستور موقت توسط هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت و دستور موقت قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ وجود دارد. اولین تفاوت در ابتدای تبصره سوم ماده ۴ قابل مشاهده است که بیان می‌کند هیئت می‌تواند راسا به تشخیص خودش و یا تقاضای طرف دوم اقدام به صدور دستور موقت کند که در ویژگی‌های دستور موقت قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ فوق‌الذکر ملاحظه شد که فقط در صورت درخواست مدعی، دادگاه مکلف به صدور دستور موقت می‌شود؛ حال آن که در این جا هیئت با تشخیص خود می‌تواند دستور موقت صادر کند. در تکمیل این تبصره می‌توان به ماده ۱۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران اشاره کرد که بر اساس آن داور می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلافی که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر کند مگر آن که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

دومین وجه افتراق بین این دو دستور موقت را در تبصره سوم ماده ۴ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ مشاهده می‌کنیم که محدودیتی را بر موضوع دستور موقت اعمال کرده است. به این صورت که موضوع دستور موقت صادره از هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت فقط مربوط به تضامین اخذ شده از پیمانکار است و آن هم فقط در حوزه منع ضبط تضامین توسط شرکت کارفرما است که در واقع در جهت حفظ حقوق و منافع پیمانکار است. این صلاحیت خاص هیئت حل اختلاف قراردادی در مقابل صلاحیت عام مراجع قضایی در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ایران که هیچ‌گونه محدودیتی ندارد قرار می‌گیرد.

محدودیت موضوع دستور موقت اداری مطرح شده در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ بر منع ضبط تضامین، یکی دیگر از مسائل مشکل‌زا است. زیرا این محدودیت، مسیر را برای طرفین باز می‌کند که برای درخواست صدور دستور موقت در موضوعات دیگر به مراجع قضایی و برای منع ضبط تضامین به هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت مراجعه کنند و در نتیجه یک اختلاف و پرونده، در چند مرجع در حال رسیدگی است و این بی‌نظمی باعث ایجاد مشکلات متعددی مانند تضییع حقوق طرفین و طولانی شدن زمان رسیدگی و حتی خطا در تصمیمات هیئت و قرارها و رای‌های مراجع قضایی می‌شود. هرچند استفاده از صلاحیت موازی برای دو مرجعی که یکی قضایی و دیگری غیرقضایی است صحیح نمی‌باشد منتها در نهایت یک موضوع در صلاحیت دو مرجع با ماهیت‌های متفاوت قرار داده شده است و وجود دو مسیر حقوقی متفاوت برای رسیدن به یک نتیجه واحد بدون مشخص کردن

جزئیات و احکام حاکم بر آن‌ها صحیح نمی‌باشد و باعث سردرگمی خواهد شد. سومین تفاوت در مقامی است که باید قرار دستور موقت را تأیید کند که از ویژگی‌های مشترک بین دستور موقت قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت می‌باشد؛ منتها با یک تفاوت جزئی به این صورت که در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ رئیس حوزه قضائی و در هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، مدیرعامل یا بالاترین مقام طرف اول یعنی شرکت کارفرما می‌بایست قرار را تأیید کنند.

تفاوت چهارم را در رفع اثر از دستور موقت مشاهده می‌کنیم. برخلاف دستور موقت هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت که هم‌زمان با ابلاغ رای نهایی لغو می‌شود، بر اساس ماده ۳۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ قاضی می‌تواند در هر زمان و مرحله‌ای که مبنای صدور دستور موقت از دست برود، آن را رد کند. زیرا دستور موقت امری قابل عدول بوده و به صرف زوال سبب و جهت، قابل رفع اثر توسط قاضی است؛ لیکن در غیر حالت اخیر دستور موقت تا زمان رای قطعی معتبر است. همان‌طور که در ویژگی‌های دستور موقت قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ اشاره کردیم این دستور را قبل از طرح دعوی و یا در حین آن نیز می‌توانیم درخواست کنیم اما در ماده ۷ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ بیان شده که زمان رسیدگی به اختلافات از تاریخ ارجاع یا تکمیل مدارک، هر کدام که موخر بر دیگری رخ دهد، نود روز است اما در صورت وجود شرایط ویژه‌ای که نیاز به مدت زمان بیشتری باشد، قابلیت تمدید برای شصت روز دیگر را داریم. فلذا تفاوت پنجم را در مدت ارائه درخواست صدور دستور موقت مشاهده می‌کنیم.

تفاوت ششم در نحوه اعتراض به صدور یا عدم صدور دستور موقت است. بدین شرح که در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ امکان اعتراض به اصل قرار صدور یا عدم صدور دستور موقت را به تنهایی نداریم و باید همراه با اعتراض و تجدیدنظرخواهی از اصل تصمیم نسبت به قرار صدور حکم دستور موقت نیز اعتراض کنیم. این در حالی است که در دستورالعمل هیئت حل اختلاف قراردادی مصوب ۱۴۰۰ هیچ‌گونه حرفی از قابلیت اعتراض یا عدم اعتراض از دستور موقت به میان نیامده است و تنها از اعتراض به اصل تصمیم هیئت صحبت شده است.

بدین صورت که در تبصره پنجم ماده ۷، ابتدا از نحوه اعتراض شرکت کارفرما نسب به تصمیم هیئت و سپس در تبصره بعدی از نحوه اعتراض طرف دوم سخن به میان آمده است. شرکت کارفرما اگر نسبت

به وجود ایراد در نحوه رسیدگی و تصمیم‌گیری هیئت حل اختلاف معترض باشد، می‌بایست اعتراض خود را با تکمیل کاربرگ‌های مربوطه همراه با مستندات لازم فقط ظرف بیست روز از ابلاغ تصمیم، به مدیرعامل شرکت اصلی منعکس کند. سپس مدیرعامل باید اعتراض را در هیئت مدیره مطرح کند و اگر هیئت مدیره اعتراض را وارد تشخیص داد، ضمن عدم تأیید کلی یا جزئی، تصمیم هیئت آن را از طریق مدیرعامل به همراه مستندات و ظرف مدت سی روز از تاریخ وصول اعتراض به هیئت عالی جهت رسیدگی مجدد ارسال می‌کند و اگر اعتراض را وارد تشخیص ندهد، مراتب را از طریق مدیرعامل به طرف اول یعنی شرکت کارفرما ابلاغ می‌کند. در صورتی که طرف دوم نسبت به وجود ایراد در نحوه رسیدگی و تصمیم هیئت معترض باشد، می‌تواند همراه با تکمیل کاربرگ‌های مربوطه و ضمیمه کردن مستندات لازم ظرف مدت بیست روز از ابلاغ تصمیم، اعتراض خود را ثبت کند. هیئت عالی اگر اعتراض را وارد نداند مراتب را به متقاضی ابلاغ می‌نماید ولی اگر آن را وارد تشخیص دهد، حسب مورد یا خودش رسیدگی مجدد می‌کند و یا برای رفع ایراد به هیئت حل اختلافی که تصمیم مربوطه را اخذ نموده بود ارسال می‌کند یا به هیئت دیگری ارجاع می‌دهد، اما در هر صورت تصمیم هیئت عالی برای طرفین لازم‌الرعایه است.

۵- شرایط صدور و اجرای دستور موقت توسط هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت

موضوع و طرفین اختلاف، زمان طرح آن و پذیرش برخی شروط، از شرایط لازم برای صدور دستور موقت و اخذ تأیید مقامات مربوط از شروط اجرای آن محسوب می‌شود که در ادامه به تفکیک بررسی خواهند شد. از آن جایی که ماده مربوط به دستور موقت به‌عنوان جزئی از دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ و در واقع راهکار موجود در آن به‌عنوان یکی از راهکارهای حل اختلاف مطرح است، بنابراین کلیات مربوط به موضوع، نحوه درخواست، طرفین اختلاف، زمان و شیوه رسیدگی در مورد صدور دستور موقت صدق می‌کند؛ بی‌آن که صراحتاً در ماده مربوطه به آن‌ها اشاره شده باشد. در واقع سازوکار استفاده از دستور موقت، امر مستقلی از حل و فصل اختلاف نیست و به نحوی زیرمجموعه آن است و قاعدتاً اصول و الزامات حاکم بر حل اختلاف به‌عنوان کل بر دستور موقت به‌عنوان جزء، حاکم خواهد بود. با بررسی خط به خط دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰، ابتدا الزامات حاکم بر کل آن و سپس موارد خاص مربوط به دستور موقت بررسی می‌گردد.

طرفین: در ماده ۲۳۲ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ شاهد تعیین قلمرو و صلاحیت این هیئت هستیم؛ به این صورت که شرکت‌های اصلی، فرعی و شرکت‌های تابعه یا واحدهای وابسته وزارت نفت را در قراردادهای، معاملات و مناقصات یا سفارش‌های خرید بزرگ داخلی ملزم به رعایت دستورالعمل می‌کند و به بیانی دیگر هیئت در زمینه قراردادهای و مناقصات و سفارش‌های بزرگ داخلی که نصابش باید مطابق قانون برگزاری مناقصات باشد، صلاحیت رسیدگی دارد. در تبصره اول ماده ۴ صلاحیت این هیئت بیان شده و محدود به اختلاف قراردادی بین طرف اول و طرف دوم است.

عدم طرح اختلاف در مراجع قضایی: در ماده ۵ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ به شرایط درخواست و جزئیات آن اشاره می‌شود؛ مانند این که طرف اول یا طرف دوم برای حل اختلافات خود می‌تواند به مرجع صالح قضایی مستقیماً رجوع کند و این اختلاف‌ها دیگر قابل طرح و رسیدگی در هیئت نیست مگر این که پیش از طرح اختلاف در هیئت حل اختلاف و پیش از صدور حکم از سوی مراجع یاد شده، دعوای خود را مسترد کنند. از جمله اختلاف‌هایی که دیگر قابل رسیدگی نخواهد بود می‌توان به اختلاف ناشی از قراردادی که صورتحساب‌هایش به تأیید دو طرف رسیده و تسویه حساب هم انجام شده اشاره کرد؛ زیرا با توجه به مختومه شدن آن دیگر قابل رسیدگی نخواهد بود.

پذیرش تصمیم هیئت: مستند بر تبصره‌های ماده ۵ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ در مواردی که متقاضی رسیدگی در هیئت طرف دوم باشد، باید تعهدی ارائه دهد مبنی بر این که چه تصمیم له او باشد چه علیه او، تصمیم را خواهد پذیرفت.

شرکت‌های زیرمجموعه شرکت ملی نفت در شرط حل اختلاف قراردادهای^{۲۴} در ذکر مراحل حل اختلاف ابتدا به مذاکره و تفاهم و سپس در صورت عدم حصول نتیجه به هیئت حل اختلاف

۲۳- شرکت اصلی، شرکت فرعی، شرکت تابعه یا واحد وابسته وزارت نفت در معاملات، مناقصات، قرارداد/پیمان یا سفارش‌های خرید بزرگ داخلی خود (با لحاظ نصاب مندرج در قانون برگزاری مناقصات) دستورالعمل حاضر را رعایت می‌کنند.

۲۴- هر گونه اختلاف، مراجعه یا دعوای تحت ناشی از یا در رابطه با این قرارداد/پیمان و کلیه الحاقیه‌های موخر به قرارداد/پیمان حاضر، شامل ولی نه محدود به تشکیل، اعتبار، نفوذ، تفسیر، اجراء، نقض، آثار فسخ، آثار خاتمه، آثار برکناری و همچنین ادعاهای غیرقراردادی ابتدا از طریق مذاکره و تفاهم حل و فصل می‌شود و در صورت عدم حصول نتیجه به شرح مذکور در دستورالعمل حل اختلاف‌های قراردادی که به قرارداد منضم می‌شود، حل اختلاف به شرح شیوه نامه حل اختلاف‌های قراردادی صنعت نفت موضوع بخشنامه شماره ۱۰۱۰-۲۰/۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۸ وزیر محترم نفت به شرح پیوست ارجاع خواهد شد.

اشاره می‌کنند ولیکن هیچ اشاره‌ای به مهلت و تعیین مدت مشخص برای هر کدام از این مراحل نشده است، زیرا اگر رسیدگی در هیئت حل اختلاف، مدیریت اختلاف و مانند سازش بود می‌بایست یک چهارچوب و محدودیت زمانی مشخصی در نظر گرفته می‌شد زیرا مدیریت و سازش و مذاکره زمان مشخصی دارد.

از نحوه نگارش این ماده قراردادی می‌توان این گونه استدلال کرد که قصد و نیت طرفین این بوده که اختلاف از طریق این دو مرحله حل شود و به مراجع قضایی اشاره نشود. هرچند در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰، مراجعه به هیئت یا مراجع قضایی را اختیاری می‌داند اما زمانی که در حیطه توافق طرفین قرار می‌گیرد و اراده آزاد طرفین بر آن بوده است که از طریق هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت رسیدگی شود و در قرارداد گنجانده می‌شود از اختیاری بودن خارج می‌شود. فلذا نتیجه رسیدگی هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت برای طرفین باید لازم‌الرعايه باشد و اجرا شود. یکی از مهم‌ترین ابهامات و ایرادات دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ در همین زمینه یعنی عدم وجود ضمانت اجرا متناسب و عدم ذکر تکلیف طرفین در صورت عدم حصول نتیجه در هیئت است.

عدم حصول نتیجه از طریق مذاکره: فرایند رسیدگی به اختلاف‌ها در ماده ۷ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ شرح داده شده است.^{۲۵} تبصره اول این ماده به بیان یک پیش شرط^{۲۶} پرداخته است. به این صورت که پیش از درخواست رسیدگی از هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، طرفین می‌بایست تلاش کنند تا از طریق مذاکره و یا مکاتبه اختلاف را حل و فصل کنند و در صورت عدم موفقیت به هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت مراجعه کنند.

درخواست صدور دستور موقت: با توجه به تبصره سوم ماده ۴ دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰،^{۲۷} هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت در صدور دستور موقت می‌تواند راسا و بنا بر

۲۵- هر گاه اختلاف به وجود آمده از طریق مذاکره و یا مکاتبه حل و فصل نشود، هریک از طرفین می‌تواند در خواست خود را وفق ماده ۵ به دبیرخانه ذریبط ارسال نماید.

26- pre-condition

۲۷- هیئت حل اختلاف می‌تواند عندالزوم به تشخیص خود و یا در صورت تقاضای طرف دوم تا رسیدگی نهایی به اختلاف، نسبت به منع ضبط تضمین‌های قرارداد دستور موقت صادر نماید. اجرای دستور موقت بنا به تصمیم هیئت حل اختلاف و با دستور مدیرعامل یا بالاترین مقام طرف اول صورت می‌پذیرد. دستور موقت هم‌زمان با ابلاغ تصمیم هیئت حل اختلاف لغو می‌شود.

تشخیص خودش عمل کند. عبارت «عنداللزوم به تشخیص خود» نشان‌دهنده این نکته است و الزامی مبنی بر تقاضای طرف دوم برای صدور دستور موقت وجود ندارد؛ هرچند با تقاضای طرف دوم هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت موظف به رسیدگی می‌شود.

برخلاف قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که متقاضی می‌توانست پیش از طرح دعوی تقاضای صدور دستور موقت کند با توجه به قید «تا رسیدگی نهایی به اختلاف» در خط دوم تبصره مذکور می‌توانیم به این نتیجه برسیم که قبل از ارجاع اختلاف به هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت نمی‌توانیم درخواست صدور دستور موقت نماییم، زیرا این عبارت مبین قید زمانی است و این معنی را به ذهن متبادر می‌کند که اختلافی مطرح شده و رسیدگی آغاز شده است که طرف دوم تا اتمام این رسیدگی و نهایی شدن آن فرصت درخواست صدور را از هیئت دارد.

اجرای این دستور منوط به تصمیم هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت و با دستور مدیرعامل یا بالاترین مقام طرف اول یعنی شرکت کارفرما است و هم‌زمان با ابلاغ تصمیم نهایی هیئت دستور موقت رفع می‌شود. هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت پس از رسیدگی، تصمیم خود را به مدیرعامل شرکت اصلی اعلام می‌کند تا ایشان به طرفین اختلاف تصمیم را ابلاغ کنند و این تصمیم پس از ابلاغ قابلیت اجرا خواهد داشت و طرف اول یعنی شرکت کارفرما موظف است نسبت به تصویب و اجرای تصمیم هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت هر چه سریع‌تر اقدام کند. در واقع همین تبصره باعث می‌شود که به این تفسیر برسیم که تصمیم هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت تنها یک دستور درون سازمانی است که توسط مدیرعامل شرکت اصلی به شرکت تابعه‌اش نسبت به چگونگی اقدامش در مقابل اختلاف پیش آمده دستور می‌دهد و با رای مراجع قضایی متفاوت است.

نتیجه

اگر چه شباهت‌هایی بین دو نوع دستور موقت مانند خاص و استثنایی بودن، نیاز به تأیید مقامی بالاتر برای اجرا^{۲۸} وجود دارد اما وجود تفاوت‌های زیادی از جمله الزام به اخذ تأمین در دستور موقت دادگاه و عدم

۲۸- اجرای دستور موقت دادگاه مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی است و اجرای دستور موقت هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت با دستور مدیرعامل یا بالاترین مقام طرف اول صورت می‌پذیرد.

وجود این الزام در دستور هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، فرایند درخواست دستور موقت از دادگاه^{۲۹} و عدم تعیین تکلیف این موضوع در مورد دستور هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، موضوع عام دستور موقت دادگاه^{۳۰} و موضوع خاص دستور موقت هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت^{۳۱}، امکان رفع اثر از دستور موقت دادگاه با درخواست طرف مقابل تحت شرایطی خاص^{۳۲}، عدم پیش‌بینی آن در دستور هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، پیش‌بینی ضمانت اجرا در صورت عدم طرح دعوا توسط متقاضی یا رد دعوی وی به درخواست طرف مقابل در دستور موقت دادگاه و عدم ذکر آن در دستور هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، صدور دستور موقت دادگاه منوط به تقاضای ذینفع و صدور دستور موقت هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت بدون این تقاضا و با تشخیص خود هیئت، رفع اثر دستور موقت هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت با صدور رای و عدم رفع آن با صدور رای بدوی در دادگاه، الزام به پرداخت هزینه دادرسی در دستور موقت دادگاه^{۳۳} و سکوت دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ در این مورد، اختیار متقاضی صدور دستور موقت از دادگاه در مورد زمان تقدیم درخواست^{۳۴} و نبود چنین وضعیتی در مورد دستور هیئت و نهایتاً درج برخی شروط برای صلاحیت رسیدگی هیئت از جمله عدم طرح اختلاف در مرجع قضایی و فقدان آن‌ها در رویه رسیدگی دادگاه‌ها، اماراتی است که ما را به تفکیک بین این دو نوع دستور و نتیجتاً عدم امکان رجوع به قواعد عام قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ درباره دستور موقت، در موارد سکوت و ابهام دستور موقت هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت رهنمون می‌سازد.

در نهایت، درحالی‌که دستور موقت دادگاه به‌صورت یک قرار و با قدرت اجرایی صادر می‌شود، دستور هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت صرفاً یک تصمیم شمرده شده و بدون پیش‌بینی ضمانت

۲۹- به‌صورت شفاهی، قید در صورت مجلس و یا کتبی.

۳۰- توقیف مال و انجام یا خودداری از انجام عملی.

۳۱- خودداری از ضبط تضامین.

۳۲- اگر متقاضی دستور موقت ظرف بیست روز از تاریخ صدور دستور موقت به دادگاه صالح مراجعه نکند و درخواست خود را مطرح ننماید.

۳۳- هزینه دادرسی درخواست صدور دستور موقت معادل دعاوی غیرمالی است.

۳۴- قبل یا حین اقامه دعوا.

اجرا است. با این وجود، در صورت توافق طرفین بر مسیر حل اختلاف از طریق هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، این امکان برای طرف دوم وجود ندارد که بتواند بدون طی فرایند درخواست دستور موقت از هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، از مراجع قضایی درخواست صدور دستور موقت بکند. لیکن در صورت سکوت قرارداد در مورد ارجاع به هیئت، طرفین می‌توانند از دادگاه یا هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت به اختیار تقاضای صدور دستور موقت نمایند.

به نظر می‌رسد هدف طراحان دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ هیئت حل اختلاف قراردادی وزارت نفت از درج بند مربوط به دستور موقت با توجه به سوابق دعاوی و اعتراض پیمانکاران، صرفاً ارائه راهکاری برای جلوگیری از ضبط تضامین پیمانکاران، بدون داشتن نگاه جامع و پیش‌بینی الزامات آن بوده است. بدیهی است چنین رویکردی موجب فقدان شفافیت در فرایند صدور، اجرای دستور و نتیجتاً مانع از عملکرد مناسب و رسیدن به قصد منظور می‌گردد؛ بنابراین، اگر چه ظرفیتی برای حل اختلافات به‌طور تخصصی و خارج از دادگاه، توسط دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰ و به درستی ایجاد شده، لیکن این ظرفیت به دلیل نقایص مطرح شده در دستورالعمل حل اختلافات قراردادی مصوب ۱۴۰۰، نتیجه‌بخش نبوده و مورد استفاده پیمانکاران قرار نمی‌گیرد یا در صورت استفاده، مشکل آفرین خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آزادی، محمود و بیرجندی، فاطمه، ۱۳۹۸، دستور موقت، **ماهنامه آفاق علوم انسانی**، شماره ۳۳.
- ابهری، حمید؛ محمدی، سام؛ زارعی، رضا، ۱۳۸۹، مقایسه دستور موقت با تأمین خواسته و روش‌های اعتراض

به دستور موقت، **فصلنامه پژوهشنامه حقوقی**، شماره ۱.

- احمدنژاد، منصور و نجفی، فائزه، ۱۴۰۱، درآمدی بر ماهیت و فرایند رسیدگی هیئت‌های حل اختلاف قراردادی وزارت نفت، **ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز**، شماره ۲۰۰.

- حاتمی، علی و کریمیان، اسماعیل، ۱۳۹۳، **حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری**، چاپ اول، تهران، انتشارات تیسرا.

- داراب پور، مهرباب و انیسی، الهام، ۱۳۹۹، سازشی کارآمدتر از فیصله دعاوی در هیئت‌های حل اختلاف قراردادهای مرتبط با پروژه‌های نفت و گاز، **فصلنامه مطالعات حقوق انرژی**، شماره ۱.

- صفری، محسن و بادکوبه، آرش، ۱۴۰۰، دامنه اعتبار و الزام‌آوری تصمیمات هیئت‌های حل اختلاف قراردادی وزارت نفت با تأکید بر داوری‌پذیری اختلافات درباره اموال شرکت‌های دولتی، **فصلنامه مطالعات حقوق انرژی**، شماره ۲.

- طجربلو، رضا و عبدی، صادق، ۱۳۹۷، مقایسه هیئت‌های حل و فصل اختلافات قراردادی وزارت نفت و نمونه‌های قراردادهای بین‌المللی فیدیک، **فصلنامه مطالعات حقوق انرژی**، شماره ۲.

- متین دفتری، احمد، ۱۳۹۱، **دادرسی مدنی و بازرگانی**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

لاتین

- Axel- Volkmar Jaeger, 2010, FIDIC-A Guide for Practitioner, Springer Heidelberg Dordrecht London.
- Carrie Menkel-Meadow, 2015, Mediation, Arbitration, and Alternative Dispute Resolution, University of California, Irvine School of Law Georgetown Law Center, Legal Studies Research Paper Series No. 20.
- Carver ,Todd B, Vondra, Alberta V, 1994, Alternative Dispute Resolution: Why It Doesn't Work and Why It Does, Harvard Business Review.
- Chia Kuang Lee, Tak Wing Yiu a, Sai On Cheung, 2016, Selection and use of Alternative Dispute Resolution (ADR) in construction projects, Past and future research, International Journal of Project Management.
- R. Mnookin, 1998, Alternative Dispute Resolution, subsequently published in The New

Palgrave Dictionary of Economics and the Law, Peter Newman, ed. (New York: Stockton Press), Vol. 1.

- Roland. A Brand, 2023, Provisional Measures in Aid of Arbitration, Columbia journal of transnational law, volume 61.
- Thomas J. Stipanowich, 2004, ADR and the Vanishing Trial: The Growth and Impact of Alternative Dispute Resolution, Journal of Empirical Legal Studies Volume 1, Issue 3.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.21- Autumn 2024

The Procedure of Arbitration of ICSID about Umbrella Clause

Amirhosein Yazdani, Naser Alidoosti Shahraki

Legal Analysis of Opinions Issued by the International Court of Justice Regarding Lawsuits Related to Iran

Sima Abbasi, Shahrooz Darbandi

Conflicts between Israel and Hamas in the Mirror of International Criminal Law (2023 AD)

Mohammad Babaei, Navid Zamaneh Ghadim, Davood Alizadeh

The Role of Lifestyle and Adherence to Health Protocols in Preventing Crimes Related to COVID-19 According to Experts in Iranian Criminal Law

Iraj Morvati

Managing Transboundary Petroleum Deposits: Cooperation as a Customary Obligation

(with Emphasis on Final ICJ Award in 2017 between Ghana and Côte d'Ivoire)

Ali Rezaei, Sayyed Rasol Tabatabaei Moghaddam

Criminal Protection of Children and Adolescents at Risk in the Laws of Iran and Lebanon

Amin Reza Bahar Falamarzi

The Way of Managing the Property of Prisoners in Iranian and Turkish Laws

Sara Farzadi Mehr, Mohammadreza Haghighi, Esmail Amouri

Analyzing and Investigating the Nature of Reward in the Iranian Law System

Amir Mohammad Tavakoli, Mohammad Reza Azodi, Ghasem Tavakoli

Examining the Nature and Legal Dimensions of the Provisional Measures Issued by the Dispute Resolution Committee of the Ministry of Oil

Sheyda Ghamafroz, Mohammad Reza Afshari, Mehdi Piri

The Rights of Institutional Shareholders and Retail Shareholders in Iran's Capital Market

Parisa Rezvan, Ali Zare

Limitations on the Military Activity of Third States in the Exclusive Economic Zone of the Coastal State

Mohsen Behjati

Adoption in the Legal System of Iran and England

Zahra Makki, Esmail Kashkoulan

The Legal Basis of Establishing Non-governmental Schools in Iran, Emphasizing the Role of Education in Preventing Crime

Mina Daneshamooz, Hakimeh Abolhasani

Democratic and Authoritarian Paths in the Future of International Law

Saeid Behdoudi Nejad

Smart Cities and International Trade Law

Aram Abbaspour Jalali

The Effect of Jus Cogens Norms: Whoever Opened Pandora's Box, Did You Ever Think About the Consequences?

Soheil Golchin

The Relationship between Transparency Obligations and Foreign Investment in Renewable Energies: Realising the Potential Role of IIAs

Yusef Akhlaghi

Iran's Criminal Policy for Specific Military Crimes of the Armed Forces

Yasser Shakeri